یادداشت روز

پاسخ این سؤال با شما

چیزی حدود دو هفته پیش یعنی دقیقاً ۱۶ مرداد ۱۴۰۵ بود که آقای پزشکیان، در نشست با خبرنگاران سؤالی پرسید که بیشتر به استفهام انکاری شباهت داشت: «بزرگ‌ترین دشمن آمریکا، چین است. چرا دعوا نمی‌کنند!؟ چین کار خودش را انجام می‌دهد و روزبه‌روز قوی‌تر می‌شـــود، وقتی ما می‌توانیم با گفت‌وگو حق و حقوق‌مان را بگیریم، چرا این کار را نکنیم!؟»

لحن بیان و شوق پرسش جوری بود که انگار افقی تازه در مقابل مخاطب قرار می‌داد. واقعاً چرا این کار را نمی‌کنیم؟ چرا ما با گفت‌وگو مشکل‌مان را با آمریکا حل نمی‌کنیم و حق و حقوق‌مان را نمی‌گیریم؟

البته شوق و ذوق پرسشگر نباید ما را زیاد هیجان‌زده کند. باید کمی صبر کرد. کمی که فکر کنیم، می‌بینیم خاطراتی از روزهای نه‌چندان دور در دهه ۹۰ شمسی وجود دارد که آن روزها ما مستقیماً با آمریکا گفت‌وگو می‌کردیم. وزیر خارجه‌مان با وزیر خارجه آمریکا سر یک میز می‌نشست و در خیابان‌های سوییس با هم قدم می‌زدند و گفت‌وگو می‌کردند. معاون وقت وزیر خارجه ایران آن‌قدر با قائم‌مقام وزیر خارجه آمریکا گرم گرفته بود که عکس نوه‌هایشان را به هم نشان می‌دادند و حتـــی مذاکره‌کنندگان ایرانی هر کدام یک تابلو فرش نفیس هم به عنوان هدیه به دوستان آمریکایی‌شان دادند. بالاتر از این، رئیس‌جمهور ایران با رئیس‌جمهور آمریکا گفت‌وگوی تلفنی و وزیر خارجه ایران با رئیس‌جمهور آمریکا در سازمان ملل دیدار کرد.

با این حساب حتماً باید مشـــکلات‌مان آن موقع حل شده باشد! اما خوب که فکر کنیم متوجه می‌شویم متأســـفانه چنین تجربه‌ای وجود ندارد. ما یک توافق برنامه جامع اقدام مشـــترک (برجام) با آمریکایی‌ها امضا کردیم. توافقی که صنعت هسته‌ای ایران را به مدت ۵ سال تقریباً متوقف کرد. در برجام ایران سطح غنی‌سازی اورانیوم را از ۲۰ درصد به ۳ درصد کاهش داد. مرکز غنی‌سازی فردو را تقریباً تعطیل کرد. تأسیسات آب سنگین اراک را عملاً برای همیشه از کار انداخت. همه سانتریفیوژهای نسل جدید خود را جمع‌آوری و انبار کرد، تمام ذخایر سوخت ۲۰ درصد خود را نیز از دست داد و تحت بی‌سابقه‌ترین بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفت. اما توافق برجام با همه این تعطیلی‌ها و محدودیت‌هایش برای ایران حتی نتوانست حساب بانکی سفارت ایران در لندن را بازگشـــایی کند! آقای ظریف (وزیر خارجه وقت) در نامه به فدریکا موگرینی اعتراف کرد محدودیت‌های ایران پس از برجام بیشتر از قبل برجام شده است. آقای عراقچی (معاون وقت وزیر خارجه) هم برجام را «داستانی ناموفق» دانست و تأکید کرد «نتیجه برجام اعمال تحریم‌های جدید بود.»

پس چگونه آقای پزشکیان گفت «وقتی می‌توانیم با گفت‌وگو حق و حقوق‌مان را از آمریکا بگیریم، چرا این کار را نکنیم!؟» شاید منظور آقای پزشکیان این بوده که در آن دولت نتوانستند اما من می‌توانم این کار را انجام دهم؛ و احتمالاً تأکیدشان در تبلیغات انتخاباتی مبنی بر گفت‌وگو و توافق با آمریکا برای حل مشکلات هم ناظر بر همین توانایی ایشان و ناتوانی آن دولت بوده است. اما خوب که فکر کنیم می‌بینیم دکتر پزشکیان مسئولان ارشد همان دولت را در دولت خود به کار گرفتند و منطقاً نمی‌توان از یک تجربه تکراری با آدم‌های تکراری نتیجه‌ای متفاوت انتظار داشت! فارغ از این، بخش قابل توجهی از ناکامی ماجرا نه در توانایی یا عدم توانایی دکتر پزشکیان یا هر کس دیگر که در ذات تعامل‌ناپذیر، بدعهد و سلطه‌طلب طرف آمریکایی قرار دارد.

مثلاً علی‌رغم رویکرد مثبتی که آقای پزشکیان برای گفت‌وگو با آمریکا نشان داد، درست همان شبی که جلسه تحلیف ایشان انجام شد دشمن صهیونیستی با چراغ سبز آمریکا یکی از مهمانان سرشناس مراسم آقای پزشکیان را در تهران ترور کرد و به شهادت رساند. ترور شهید اسماعیل هنیه می‌توانست در هر کشور دیگری غیر از ایران مثلاً قطر یا ترکیه و در هر زمانی غیر از شب مراسم تحلیف دکتر پزشـــکیان رخ دهد. اما به نظر می‌رسید انتخاب مکان و زمان ترور حاوی پیامی ویژه بود.

پس آقای پزشکیان باید این پیام را دریافت می‌کرد که طرف مقابل اهل تعامل و رابطه از موضع برابر نیست و باید می‌فهمید که رویکرد متواضعانه ایشان در برابر آمریکا، از جانب طرف مقابل به عقب‌نشینی تعبیر شده و رفتار آنها را تهاجمی‌تر می‌کند. آقای پزشـــکیان این پیام را دریافت کرد اما جور دیگری فهمید. به نظر ایشان اتفاقاً این ترور نشانه دیگری بود از اینکه ما باید مشکلات را در گفت‌وگو با آمریکا حل کنیم و رژیم صهیونیســـتی با انجام این ترور هر چند با چراغ سبز آمریکا(!) قصد انسداد مسیر گفت‌وگو را داشته است.

اما باز هم اگر کمی صبر و بیشـــتر فکر کنیم در اتفاقات آن روزها تجربه‌ای متفاوت می‌بینیم. آقای پزشکیان و دولتمردانشان اتفاقاً همان زمان با آمریکا به صورت غیرمستقیم و دورادور مذاکره کردند و به توافقی شفاهی رسیدند که در صورت عدم پاسخ ایران به ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران؛ جنگ در غزه تمام شود. اما کمتر از دو ماه بعد نه تنها خبری از پایان حملات صهیونیست‌ها به غزه نبود بلکه دبیرکل حزب‌الله لبنان، سید حسن نصرالله با بمب‌های آمریکایی و با حمایت آمریکا، توسط صهیونیست‌ها به شهادت رسید. این بار آقای پزشکیان خودش هم اعتراض کرد و یک روز پس از شهادت سید مقاومت، گفت: «ادعاهای سران آمریکا و کشورهای اروپایی نیز که در ازای عدم پاسخ ایران به ترور شهید هنیه وعده آتش‌بس می‌دادند، تماماً دروغ بود و فرصت دادن به چنین جنایتکارانی صرفاً آنها را در ارتکاب به جنایات بیشتر جری‌تر خواهد کرد.»

«فرصت دادن به آمریکا، آنها را در ارتکاب جنایات بیشتر، جری‌تر خواهد کرد.» شاید باورپذیر نباشد اما این جمله، واقعاً جمله‌ای است که آقای پزشکیان ۸ مهر ۱۴۰۳ بیان کرد. جمله‌ای که برخاسته از تجربه ایشان در تعامل با آمریکا طی حدود دو ماه از ریاست‌جمهوری بود. پس چرا آقای پزشکیان بعد از دو سال همچنان می‌گوید: «وقتی ما می‌توانیم با گفت‌وگو حق و حقوق‌مان را از آمریکا بگیریم، چرا این کار را نکنیم!؟»

شاید منظور ایشان انجام گفت‌وگوی رسمی و حضوری به جای گفت‌وگوی غیررسمی و از راه دور بوده است. احتمالاً برای همین بود که آقای پزشکیان دی‌ماه ۱۴۰۳ و پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا بر تمایل خود برای مذاکره با آمریکا تأکید کرد و حتی برای جلب رضایت بیشتر در مصاحبه با شبکه آمریکایی NBC ضمن عدول از مواضع قبلی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر قصاص ترامپ به جرم شهادت حاج قاسم سلیمانی، گفت: «ایران برنامه‌ای برای ترور [قصاص] کسی نداشته است، ما برای ترور [قصاص] ترامپ تلاش نکردیم و هرگز نخواهیم کرد.»

از نظر آقای پزشکیان گفت‌وگوی رسمی و حضوری حتماً می‌توانست مشکلات را حل کند. ولی اگر باز هم کمی صبر و بیشتر فکر کنیم یادمان می‌آید چنین اتفاقی هم در دولت آقای پزشکیان افتاده است. فروردین ۱۴۰۴ اولین دور مذاکرات رسمی ایران و آمریکا در مسقط برگزار شد. این گفت‌وگوها پنج دور ادامه یافت و پس از هر دور آمریکا تحریم‌های جدیدی بر ایران اعمال می‌کرد به نحوی که با پایان دور پنجم مذاکرات آمریکا ۳۱۳ تحریم جدید فقط بر شبکه فروش نفت ایران اعمال کرده بود. با این حال آقای پزشکیان و دولتمردانش قرار دور ششم مذاکرات را هم در ۲۵ خرداد ۱۴۰۴ (۱۵ ژوئن ۲۰۲۵) گذاشتند. البته دور ششم مذاکرات هیچ‌وقت انجام نشد چون دو روز قبل از آن در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران حمله کردند و هزاران ایرانی را به شهادت رساندند.

حمله آمریکا و رژیم صهیونیســـتی به ایـــران در حالی بود که دولت آقای پزشکیان طی مذاکرات، امتیازات گشاده‌دستانه‌ای را به طرف آمریکایی وعده داده بود. آن‌طور که «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه ســـابق آمریکا مدعی شد و البته هرگز توسط وزارت خارجه ایران تکذیب نشد، در مذاکرات پیش از حمله: «[دولت] ایران پذیرفت که نوع فعالیت هسته‌ای را با غنی‌سازی زیر یک درصد تطبیق دهد... همچنین ایران مقدمه مذاکره بر سر نگرانی‌های غربی‌ها در مورد موشک‌های بالستیک را پذیرفته بود!»

آقای پزشکیان که در همان دو ماه ابتدای ریاست‌جمهوری‌اش و با شهادت سیدحسن نصرالله به درستی متوجه شد «فرصت دادن به آمریکا، آنها را در ارتکاب جنایت جری‌تر می‌کند.» قاعدتاً پس از تجربه جنگ ۱۲ روزه و شهادت دانشمندان هســـته‌ای، فرماندهان نظامی، مردم عادی و تخریب بخشی از زیرساخت‌های هسته‌ای کشـــور، دیگر نباید فرصت مذاکره به آمریکا را آن هم درباره برنامه هسته‌ای ایران که مورد حمله واقع شده بود، می‌داد.

هرچه فکر کنیم به سختی می‌توان توجیهی برای ادامه مذاکرات هسته‌ای با آمریکا پس از جنگ ۱۲ روزه پیدا کرد اما در کمال ناباوری، آقای پزشـــکیان مذاکرات هسته‌ای با آمریکا را در بهمن ۱۴۰۴ از سر گرفت. یک ماجرای تکراری همیشه به نتیجه تکراری ختم می‌شود؛ این بار هم همین‌طور بود. ۹ اسفند ۱۴۰۴ در حالی که آقای پزشکیان چشم‌انداز مثبتی در مذاکرات می‌دید، وزیر خارجه ایران از پیشرفت در مذاکرات می‌گفت، وزیر خارجه عمان از امتیازهای بی‌سابقه ایران در حوزه هسته‌ای مانند از بین بردن ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد و پذیرفتن بازرسی از سایت‌های مورد حمله واقع شده خبر می‌داد و تیم ایرانی در ازای این امتیازات بی‌سابقه خواستار «توافق عدم تجاوز» شده بود؛ آمریکا و اسرائیل باز هم به ایران حمله و رهبر عزیز ایران، فرماندهان نظامی و صدها کودک و هزاران زن و مرد غیرنظامی را به شهادت رساندند.

۴۰ روز بعد ایران با میانجیگری پاکستان پای میز مذاکرات مستقیم با آمریکا برای پایان جنگ نشست اما آمریکا دو روز پس از شروع مذاکرات اسلام‌آباد اقدام به محاصره دریایی ایران کرد و پس از امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد در ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ نیز از همان ابتدا به نقض آن پرداخت.

تجربه تاریک گفت‌وگو با آمریکا فقط در دولت آقای پزشکیان باعث شد تا آقای بقایی سخنگوی وزارت خارجه با صراحت بگوید: «آمریکا با نقض آشکار و فاحش تفاهم‌نامه اسلام‌آباد سومین بار به دیپلماسی خیانت کرد... فراموش نکنیم که این سومین بار در طول یک سال گذشته است که چنین اتفاقی رخ می‌دهد. دو بار پیش نیز، در حالی که در حال مذاکره بودیم، هدف حمله آمریکا و اسرائیل قرار گرفتیم.»

ما تمام شکل‌های گفت‌وگو با آمریکا را تجربه کردیم و در تمامی آنها به یک نتیجه واحد رسیدیم؛ پس به نظر شما زمانی که آقای رئیس‌جمهور با نادیده گرفتن همه این تجربه‌ها می‌پرسد: «وقتی ما می‌توانیم با گفت‌وگو حق و حقوق‌مان را از آمریکا بگیریم، چرا این کار را نکنیم!؟» چه پاسخی باید به ایشان داد؟

سید محمدعماد اعرابی

از «تقریباً هیچ» برجام تا «کاملاً هیچ» تفاهم‌نامه

تفاهم‌نامه سراب بود
همتی: حتی یک دلار هم آزاد نشده

سرویس سیاسی - محمدحسین حمزه

عاقبت مشـــترک تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و برجام از سوی منتقدان و جریان انقلاب گوشزد شده بود اما حالا نشانه‌های دیگری این امر را تأیید می‌کند.

تفاهم‌نامه اســـلام‌آباد به سرانجام برجام دچار شـــد. معماران برجام در حالی‌که ایران از سقف تحریم‌ها رد شده بود و اوباما و جان کری اعتراف کردند اگر برجام نبود، تحریم‌ها فروپاشـــیده بود، پیش‌دستانه تعهدات ایران در این توافق‌نامه را اجرا کردند و روحانی مدعی برداشته شدن همه تحریم‌ها در روز اول اجرای آن بود اما پاسخ دشمن، تحریم و تـــرور بود. در تفاهم‌نامه اســـلام‌آباد مســـئولان تنگه‌هرمز را باز کردند اما آمریکا محاصره دریایـــی را آغاز کرد. اســـرائیل همچنان لبنان را هدف قرار می‌داد و آمریکا بار دیگر به ایران حمله کرد. در برجام، روحانی همه امور کشور را منوط به توافق با آمریکا کرده بود و منتقدان را که نسبت به غیرقابل‌اعتماد بـــودن دشـــمن هشـــدار می‌دادند، با نسبت‌های ناروا خطاب قرار داد. این‌جا رئیس‌جمهور می‌گفت مذاکره نکنیم چه کار کنیم! درحالی‌که تنگه هرمز را بستیم، منافع و اقتصاد دشمن داشت نابود می‌شد و بازدارندگی ایجاد می‌کرد. بعـــد از تفاهم‌نامه اســـلام‌آباد تحریم همچنان ماند، پول‌ها آزاد نشد، برجام دیگری تکرار شد چون نظر علی‌الاصول رهبـــر انقـــلاب اجرا نشـــد. به همین خاطر، برخلاف نظر یکی از مســـئولان مذاکرات، این آمریکا بود که هرآنچه با اقدام نظامی نتوانست به دست آورد با تفاهم‌نامه توانست.

امام سید مجتبی خامنه‌ای فرمودند علی‌الاصول نظر دیگری داشتم یعنی مسئولان خلاف اصول حرکت کردند و خطای محاسباتی هم خودش را در عملکرد مســـئولان و نقض تفاهم‌نامه توسط آمریکا نشان داد.

شرط‌های شما کِی نقض می‌شود؟

جنگ ادامـــه می‌یافت، آمریکا در نفت، دلار، بنزین و... با شدت بیشتری دچار کمبود و ماشین جنگی‌اش متوقف می‌شد. با پذیرش آتش‌بس و سیاست تنش‌زدایی اصلاً به هدف نرســـیدیم و دشـــمن ضمن نقض مفاد تفاهم‌نامه دوباره بـــه ایران حمله کرد. تفاهم‌نامه ســـراب بود. برخی مســـئولان در این شرایط از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد به عنوان ســـند افتخار یاد می‌کنند. باید پرسید پس شرط‌های شما کِی نقض می‌شود؟

عاقبت مشترک تفاهم‌نامه و برجام

البته پیش از این از ســـوی منتقدان و جریان انقلاب گوشـــزد شـــده بود اما حالا نشـــانه‌های دیگری ایـــن امر را تأیید می‌کند.

رئیس کل بانک مرکزی: تاکنون چیزی از پول‌های بلوکه‌شده در راستای تفاهم‌نامه آزاد نشده است

در برجام، ولی‌الله سیف، رئیس کل وقت بانک مرکزی فروردین ۱۳۹۵ در مصاحبه‌ای با تلویزیون بلومبرگ تصریح کرد کـــه برجام تاکنون «تقریباً هیچ» دستاورد اقتصادی برای ایران نداشته اســـت. درباره تفاهم‌نامه اســـلام‌آباد، عبدالناصـــر همتی، رئیـــس کل بانک مرکزی چهارشـــنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ در گفت‌وگوی تلویزیونی تأکید کرد که تاکنون چیزی از پول‌های بلوکه‌شده در راستای تفاهم‌نامه آزاد نشده است. از «تقریباً هیچ» برجام رسیدیم به «کاملاً هیچ» تفاهم‌نامه اسلام‌آباد.

تفاهم‌نامه اعطای فرصت تنفس و بازسازی به آمریکا بود و برای ما خسارت محض

با توجه به عاقبت برجام، پیش‌بینی بدفرجامـــی و خســـارت‌محض بودن توافـــق دیگر با آمریکا و ضرورت التزام به رهنمودهـــا و آموزه‌هـــای عالمانه امـــام خمینی(رحمه‌الله علیـــه)، امام شـــهید(قدس الله نفسه الزکیه) و امام سید مجتبی خامنه‌ای(حفظه الله) در این عرصه، کار ســـختی نبود، به ویژه اینکـــه آمریکا از نظـــر کاهش مهمات نظامـــی و نفت در شـــوک قرار گرفته بود. دلیـــل آن هم جنـــگ نامتقارن، تحمیل هزینه‌های سنگین به دشمن و مجاهدت خالصانه نیروهای مســـلح ما با روحیه انقلابی و ولایی و بســـتن تنگه‌هرمز و حمله به پایگاه‌های آمریکا و اسرائیل بود. در این فضا، آمریکا نیاز حیاتی به تفاهم داشت. این تفاهم‌نامه اعطای فرصت تنفس و بازســـازی به آمریکا بود و برای ما خسارت محض.

دشمن آمریکایی همان انسان آمریکایی با فرهنگ و سبک زندگی غربی است

می‌گفتند مذاکره می‌کنیم ســـایه جنگ برداشته می‌شود اما جنگ شد و رهبر انقلاب ترور شـــد. در روزهای آتش‌بس هم شـــهید دادیم. دشـــمن آمریکایی که همان انســـان آمریکایی بـــا فرهنگ و ســـبک زندگـــی غربی اســـت، ۹ اســـفند ۱۴۰۴ امام انقلاب حضـــرت آیت‌الله‌العظمـــی خامنه‌ای را تـــرور می‌کند، می‌آید با موشـــک تاماهاوک مدرسه شجره طیبه میناب را هدف قـــرار می‌دهـــد، چند دقیقه بعد کـــه دیگران بـــرای کمک جمع می‌شوند، موشـــک بعدی را می‌زند و اصلاً هم احساس گناه نمی‌کند چون طبق فرهنگ غرب و آزادی آمریکایی آموخته است که در قبال خطای خود احساس شرم نکند، همان‌طور که یک میلیـــون و پانصد هزار نفر را در ویتنام می‌کشـــد، در نقاط دیگر جهان نیز به وفـــور جنایت کـــرده و همچنان ادامه دارد، به ملت چندین هزار ساله ایران می‌گوید می‌خواهم شما را به عصر حجر برگردانم و این تمدن را نابود کنم و ملت ایران را تروریست خطاب می‌کند. در این شـــرایط ما با وجود توان گسترده نیروهای مسلح و پشتوانه عظیم مردم برای مقاومت و دفاع از کشور و وجود ظرفیت ناتوان‌ســـازی دشمن و ایجاد بازدارندگی همیشگی، در سطح رئیس یک قوه کشور می‌رویم با آمریکا مذاکره می‌کنیـــم که در طـــول تاریخ انقلاب بی‌سابقه بود. بار اول بود که رئیس یک قوه برای مذاکره می‌رفت و این امر پیام ضعف جدی به دشمن داد.

دشمن راهی جز مقاومت و جنگ برای ما نگذاشته و جنگ وجودی است

نکته دیگر اینکـــه، مگر ما جنگ را شـــروع کردیم کـــه رئیس‌جمهور می‌گفتنـــد بجنگیم چنیـــن و چنان می‌شـــود؟ دفاع را تحت هیچ شرایطی نمی‌تـــوان متوقف کـــرد. ملت ما پای مقاومت و دفاع از انقلاب اســـلامی و کشور ایستاده است و نمی‌گذارد مانند ســـوریه و عراق و افغانســـتان خاکش اشـــغال شـــود. به آمریکایی‌ها بگویید جنگ بد است. ایران اسلامی در حال ایستادگی و دفاع در برابر دشمن متجاوز است. دشمن راهی جز مقاومت و جنگ برای ما نگذاشته و جنگ وجودی است. امام شهید می‌فرمودند آمریکا می‌خواهد ایران را ببلعد. جنگ متوقف نیست. باید دســـتاوردهای جنگ را تثبیت کنیم، بنابراین نه تنگه قابل مذاکره است نه مسئله هسته‌ای. وقتی دشمن می‌گوید می‌خواهد ایران را محو کند و این‌جا القا می‌شود که در هر صورت در مذاکره را نمی‌بندیم و قیمت نفت پایین می‌آید، دشمن می‌فهمد که می‌تواند ایران به لیبی و لبنان تبدیل کند. وقتی آمریکا این‌طور جنایت می‌کند عده‌ای اسمی از آمریکا یعنی عامل جنایت نمی‌آورند و حتی پیشنهاد تسلیم در پوشش صلح شرافتمندانه می‌دهند، دشمن می‌فهمد که می‌تواند باز هم حمله کند. با وجود بارها بدعهـــدی آمریکایی‌ها همچنان عده‌ای دنبال مذاکره‌اند و نســـخه‌های شکست‌خورده را دنبال می‌کنند و به دیگران می‌گویند ایدئولوژیک و متحجر!

گرانی‌های امروز بازی مستقیم در پازل جنگ اقتصادی و جنگ روانی دشمن است

آمریـــکا وقتی از حملـــه به ایران خودداری می‌کند که بداند در صورت خطا، تمام منافعش و کشـــورهایی را که به این رژیم پایگاه داده‌اند، به عصر حجر برمی‌گردانیم. باید هزینه جنگ را بـــالا ببریم. هزینه کـــم یعنی ادامه حمله دشـــمن. گرانی‌های امروز بازی مســـتقیم در پازل جنگ اقتصادی و جنگ روانی دشـــمن است. راه درست شکستن محاصره و خونخواهی و انتقام است. انتقام نگیریم، مدام زندگی مردم تهدید می‌شـــود. جمهوری اســـلامی ایران از بحران‌های متعدد عبور کرده است و مســـئولان باید طبق فرمایش رهبر انقـــلاب، خـــود را در تراز ملت مبعوث قرار دهند و در مقابل دشـــمن بایستند.

سرلشکر امیر حاتمی:

توان دفاعی ایران معادلات دشمنان را تغییر داد

فرمانـــده کل ارتش با تأکید بـــر نقـــش صنعـــت دفاعی در تقویت بازدارندگی کشور گفت: توان رزمی نیروهای مســـلح و ظرفیت‌های صنعت دفاعی، موجب شد دشمنان در برابر توان دفاعی ایران محاســـبات خود را تغییر دهند.

امیر سرلشکر امیر حاتمی، فرمانده کل ارتش جمهوری اســـلامی ایران با صدور پیامی روز صنعت دفاعی را به ســـردار سرتیپ پاســـدار سید مجید ابن‌الرضـــا، سرپرســـت محترم وزارت دفاع و پشـــتیبانی نیروهای مســـلح تبریک گفت.

به گزارش مشرق، متن پیام بدین شرح است؛

بسم‌الله الرحمن الرحیم

برادر ارجمند: ســـردار ســـرتیپ پاسدار سید مجید ابن‌الرضا

سرپرســـت محترم وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

سلام علیکم

فرا رســـیدن روز صنعت دفاعی، فرصت مغتنمی است برای پاسداشت مجاهدت‌هـــای خالصانه و تلاش‌های شبانه‌روزی دانشمندان و متخصصان توانمند صنعت دفاعی کشـــور که با تکیـــه بر دانش بومـــی، اراده جهادی و خودباوری ملی، قله‌های پیشـــرفت و خودکفایـــی را یکی پس از دیگری فتح کرده‌اند.

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح طی سال‌های گذشته با طراحی، ســـاخت و ارتقای طیف گسترده‌ای از تجهیزات و ســـامانه‌های دفاعی مورد نیاز نیروهای مسلح، نقش مؤثری در تقویت قـــدرت بازدارندگی و ارتقای توان دفاعی جمهوری اســـلامی ایران ایفا کرده اســـت. بخش مهمی از این دستاوردها در میدان‌های واقعی نبرد و در جنگ‌هـــای اخیـــر، کارآمدی و قابلیت‌های خود را به نمایش گذاشتند و در برابـــر نگاه جهانیان، به نمادی از توان و ظرفیـــت صنعت دفاعی بومی کشور تبدیل شدند.

آنچه امروز بـــه برکت مجاهدت فرزندان ملـــت در صنعت دفاعی در اختیار نیروهای مســـلح قـــرار گرفته اســـت، تنها مجموعه‌ای از تجهیزات و ســـامانه‌ها نیســـت؛ بلکـــه تجلـــی اعتمـــاد به توان ایرانـــی، خودکفایی، دانـــش بومـــی و اراده ملتی اســـت کـــه تصمیم گرفته، امنیـــت و اقتدار کشـــور خود را با تکیه بر توان بومی تأمین کند.

در عرصه‌هـــای دشـــوار اخیر نیز پیوند میان توان رزمی نیروهای مسلح و ظرفیت‌های کم‌نظیر صنعت دفاعی کشـــور، جلوه‌ای روشن از قدرت ملی جمهوری اســـلامی ایران را به نمایش گذاشـــت و موجب شـــد دشمنان در برابر اســـتقامت و تـــوان دفاعی ملت ایران، محاسبات خود را تغییر داده و در نهایـــت به پذیرش تفاهم و راهکار سیاسی تن دهند.

ارتـــش جمهـــوری اســـلامی ایـــران، همـــکاری و هم‌افزایـــی بـــا وزارت دفـــاع و پشـــتیبانی نیروهای مســـلح را یکی از ارکان تقویت بنیه دفاعی کشـــور دانســـته و بر استمرار ایـــن همـــکاری راهبردی در مســـیر تأمین نیازمندی‌های خـــود، ارتقای تجهیزات، انتقال تجربه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و صنعتی کشور تأکید دارد.

در این روز پرافتخار یاد و خاطره چهار وزیر شـــهید دفاع و پشتیبانی نیروهای مســـلح، به‌ویژه وزیر شهید امیر سرلشـــکر خلبان عزیز نصیرزاده و دیگـــر شـــهدای والامقـــام عرصه صنعت دفاعی،تحقیقات و پشتیبانی نیروهای مســـلح را گرامی داشـــته و اعـــلام می‌داریم؛ ملتی که به دســـت توانای فرزنـــدان خود ســـپر دفاعی می‌سازد و برای حفظ عزت و استقلال خـــود و با اتـــکال به قـــدرت لایزال الهی از آن اســـتفاده می‌کند، نه تنها تسلیم نمی‌شـــود، بلکه بدون تردید پیروزخواهد شد.

اینجانـــب ضمـــن تبریـــک روز صنعت دفاعی را به جنابعالی و تمامی مدیـــران، متخصصان، دانشـــمندان و کارکنـــان خـــدوم وزارت دفـــاع و مجموعه صنایع دفاعی کشور، توفیق روزافزون این مجموعه را در مســـیر تحقـــق فرماندهـــی معظـــم کل قوا (مدظله العالی) و تقویت هرچه بیشتر قدرت دفاعی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم.

فرمانده کل ارتش
جمهوری اسلامی ایران
سرلشکر ستاد امیر حاتمی

عراقچی:

ما فیلم‌های دولت آمریکا را قبلاً دیده‌ایم، فقط زورگوها عوض شده‌اند

وزیر امـــور خارجه جمهوری اســـلامی ایران با بازنشـــر پیام ۱۴ ســـال پیـــش رئیس‌جمهور پیشـــین آمریکا مبنی بر وضع «فلج‌کننده‌تریـــن تحریم‌های تاریخ» علیه ایـــران، در واکنش به اقـــدام جدیـــد آمریکا اعلام «کمرشکن‌ترین تحریم‌های تاریخ بشریت» تاکید کرد: «ما این فیلم را قبلا دیده‌ایم.»

ســـید عباس عراقچی، وزیر امور خارجـــه جمهـــوری اســـلامی ایران روز جمعه(۳۰ مردادمـــاه) به ادعای دولتمـــردان آمریکایـــی درخصوص وضع کمرشکن‌ترین عملیات اقتصادی تاریخ علیه مردم ایران، واکنش نشان داد. به گزارش ایرنا، عراقچی با انتشار تصویری از پیام ۱۴ سال پیش باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا نوشت:

۱۴ســـال پیش: «فلج‌کننده‌ترین تحریم‌های تاریخ.» شکست خورد.

سال پیش: «فشـــار حداکثری.» شکست خورد.

۵ مـــاه پیـــش: «تســـلیم بی‌قیدوشرط.» شکست خورد.

امروز: «کمرشـــکن‌ترین عملیات اقتصـــادی تاریخ.» این هم محکوم به شکست است.

این فیلم را قبلاً دیده‌ایم؛ همان داستان همیشگی، فقط با قلدرهای متفاوت.

اصرار بر سیاست‌های شکست‌خورده آمریکا شکست‌های بیشتری به بار می‌آورد

وزیر امور خارجه در پیامی تصریح کرد: اصـــرار بر ادامه سیاســـت‌های شکســـت‌خورده آمریـــکا، تنهـــا شکست‌های بیشـــتری به بار خواهد آورد و دشمنی ایرانیان را در پی خواهد داشـــت. ســـیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اســـلامی ایران روز پنجشنبه(۲۹ مردادماه) در واکنش به تهدیدهای اقتصادی جدید مقام‌های آمریکایـــی علیه ایـــران در پیامی در شبکه ایکس نوشت: تهدید به «شروع عملیـــات اقتصادی» علیـــه ایران، در واقـــع برای انحـــراف افـــکار عمومی آمریکا از بحران‌های مالی داخلی است: یعنی بدهی‌های بی‌ســـابقه و افزایش سرسام‌آور بهره‌های بانکی در آمریکا.

وی ادامـــه داد: اصرار بـــر ادامه سیاســـت‌های شکســـت‌خورده، تنها شکست‌های بیشـــتری به بار خواهد آورد و دشمنی ایرانیان را در پی خواهد داشـــت. تروریســـم اقتصادی آمریکا، اقتصاد جهانی و حاکمیت ملی کشورها در سراسر جهان را تهدید می‌کند.

به گزارش ایرنـــا، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اخیرا در سخنانی ادعا کرد که آمریکا وارد یک «عملیات اقتصادی بی‌سابقه» علیه ایران می‌شود و کشـــورها و نهادهایی را که به ایران کمک اقتصادی کنند نیز با «پیامدهای شدید» مواجه خواهد کرد. وزیر خارجه ایران در نوشته امروز خود در پاسخ به رئیس‌جمهـــور آمریکا دقیقاً به خبری اشاره می‌کند که همزمان منتشر شده: بدهی ملی آمریکا از ۴۰ تریلیون دلار عبور کرده است. داده‌های خزانه‌داری آمریکا نشان می‌دهد بدهی در ۱۸ اوت بـــه حـــدود ۴۰.۰۵ تریلیـــون دلار رســـیده و در یـــک ســـال حـــدود ۲.۹ تریلیون دلار، معادل ۷.۸ درصد، افزایش یافته است.

خبر ویژه

وقتی «حجاب» با «دزدیدن کشمش» مقایسه می‌شود!

واکنـــش تامل‌برانگیز یک روحانی‌نما به نامه مطهری درباره حجاب، با قیاس ناشیانه حکم الهی با «چوب کشمش» و طرح مطالبات معیشتی، پرده از مغالطه و اراده جریان دین‌گریز و غربگرا برای حاشیه‌ای‌سازی احکام صریح اسلام برداشت.

نامه اخیر علی مطهری به رئیس‌جمهور درباره ضرورت ســـاماندهی وضعیت پوشش و برخورد با ناهنجاری‌های سازمان‌یافته، بار دیگر ابعاد آسیب‌های فرهنگی را به صدر اخبار آورد. مطهری در این نامه با اشاره به ایستادگی اکثر بانوان کشور در برابر طراحی‌های دشـــمن، یادآور شد: «برخلاف توقع دشمن که انتظار داشت بعد از حوادث ســـال ۱۴۰۱ اکثر بانوان ما پوشـــش اسلامی را کنار بگذارند، امروز اکثریت قاطع بانوان کشور پوشش اسلامی را رعایت می‌کنند.» وی با تفکیک میان رفتار عامه مردم و برخی رفتارهای ساختارشکنانه، تاکید کرد که این ناهنجاری‌ها بخشـــی «سازمان‌یافته»، بخشی «ناشـــی از غرب‌زدگی و خودباختگی» و بخشی حاصل «هوا و هوس» است.

این موضع‌گیری اصولی که مبتنی بر آموزه‌های قطعی اسلام است، با واکنش تامل‌برانگیز و معترضانه فردی روحانی‌نما مواجه شـــد. وی در نامه‌ای سرگشـــاده خطاب به مطهری، به‌جای مواجهه علمی و حمایت از احکام مسلم الهی، دست به حاشیه‌سازی و فرار به جلو زد و با طرح مسائل معیشتی، سعی کرد وجوب شرعی حجاب را حاشیه‌ای جلوه دهد.

وی با مغالطه‌ای آشـــکار، مسئله عفاف و حجاب را حاصل نابرابری و حوادث سیاسی دانست و برای تقلیل جایگاه این حکم الهی، به داستان نازلی توسل جست و مدعی شد توجه به حجاب مانند داستان کسانی است که «کشمش دزدیده بودند و هنگام خوردن، درباره چوب کوچک انتهای آن دچار تردید شدند»!

نقد جدی و اساسی دقیقا متوجه همین نگاه سطحی و تفکیک‌گرایانه است. حامیان این تفکر التقاطی در حالی حکم صریح قرآن را با «چوب کشمش» مقایسه می‌کنند که حجاب نه یک امر حاشـــیه‌ای یا ذوقی، بلکه از ضروریات دین مبین اسلام است. تقلیل دادن دستور صریح الهی به مسئله‌ای کم‌اهمیت و گره زدن آن به ناکارآمدی‌های اقتصادی، شـــانه خالی کردن از مسئولیت شرعی و بسترسازی برای ولنگاری فرهنگی است.

از ســـوی دیگر، وظیفه حاکمیت اسلامی تنها منحصر به تامین «آب و نان» نیست؛ رفاه مادی را حکومت‌های سکولار نیز ادعا می‌کنند. فلسفه وجودی و تمایز اصلی حکومت اسلامی در این است که علاوه‌بر معیشت، بسترساز رشد معنوی و سعادتمندی جامعه باشد و احکام الهی را در سطح اجتماع جاری سازد.

نسخه رهاســـازی عرصه فرهنگ به بهانه مشـــکلات اقتصادی، دقیقا همان سناریویی اســـت که جریان‌های ضد دینی سال‌هاست دنبال می‌کنند. نمی‌توان به اســـم «عدالت» و «معیشت»، چشم را بر تضعیف عفاف و بنیان خانواده بست. کســـانی که با ادعای روشنفکری، احکام قطعی دین را در مقابل کرامت انسانی یا مســـائل معیشـــتی قرار می‌دهند، در حقیقت دچار مغالطه آشکار شده و از درک جامعیت اسلام عاجزند.

گفت و شنود

پس چی شد؟!

گفت: